

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عزت آهنگر "نیزک"

4 آگست 2011

شما ای شیرۀ جانم

مرا دریاب!!!

رهايم ساز،

تو ای فرزند آگاهم.

دگر تاب و توانم نیست،

دگر روح و روانم نیست،

بس این آتشفشانم نیست!!!

مگر آیا جز این مشیت فریب و خدعه و نیرنگ،

تفنگدارن بی فرهنگ،

جرسداران بد آهنگ،

که دارند کاروان را لنگ،

من آن چاپکسواران را،

غیوران شیرمردان را،

به خون خویش نپروردم؟

من آن انسان آگاهی که دردم را بداند،

در وجود خویش نیفزودم؟

نه اینطور نیست:

همه در خواب و رویاهای شیرین اند،
همه در فکر فردهای رنگین اند،
گروهی نیز در افکار پیشین اند.
بخود آید!!

شما ای شیرۀ جانم،
شما ای قهرمانانم،
شما ای نسل افغانم،
که در هر گوشه ای از این قفسهای طلایی لانه بنمودید،
قفس تنگ است برایتان!
شما شاهین به پروازید،
شما نیرو و آوازید،
بخود آید!!

تن تبار و صد زخم دگر مرهم ز دست خویش میخواهد.
پرستارم شوید!!
آخر چرا بسپرده ایدم بر پرستاران بیگانه؟
که در این بستر بیماری خویش هم به زنجیرم،
غل و زنجیر را دیگر توانم نیست،
تن صد پاره ام بار دگر با سرب داغ آزمون میگردد.
بخود آید!!

شما از رنج و درد جانفزایم باخبر هستید،
شما از واژه های عشق و ایمان بارور هستید،
شما امواج طوفانزای خشم پرثمر هستید،
کجا شد رسم و آئین شهادتها، شهادتها؟!
کجا شد قهرمانیها و غیرتها؟!
کجا شد وحدت و رزم و ستیزتان برای کسب آزادی؟!
بخود آید!!

نزاریدم بدست دشمنان غول بدفرجام،
که بندند بر سرم پیمان،
و آنگه هر یکی عضوی ز اعضايم جدا سازند،
دگر آنگه نه من مادر توانم بود نه تو فرزند نام آور.
چرا خاموش و بیحالیید؟
چرا در خود همی نالیید؟
چرا بیهوده میبالیید؟
بخود آئیید!!

گذشت و انتظار تان،
زمان ابتکار تان
چه وقت آخر فرا خواهد رسید؟
ای اختران فصل بیداری،
در شبهای تنهایی دیرینم،
فروزان باد! یکبار دگر،
آن اخگران خفته در دامان این صحرای سنگینم،
خروشان باد! آن امواج طوفانزای پارینم.
خموشی ننگ تان باد!!!
خموشی ننگ تان باد!!!

